

تبعیدشدگان از خود

نگاهی به کتاب تازه ترجمه شده ها نا آرنت

تبعیدشدگان از خود

عظیم محمودآبادی

شاید بسیاری از ما ها نا آرنت را با آثار سیاسیاش و کتاب‌هایی نظیر توتالیتاریسم، امپریالیسم، آیشن در اورشلیم، بحران‌های جمهوری و یهودی استیزی بشناسیم. اما این فیلسوف سیاسی قرن بیستم از آثار فلسفی‌تری نظیر «وضع بشر»، «حیات ذهن» و حتی الهیاتی نظیر «محبت و آگوستین قدیس» نیز برخوردار بوده است. از قضا این آخري را شاید بتوان اولین اثر پژوهشی-آکادمیک وی دانست که او را به عنوان متفکری مهم در قرن بیستم نمایاند. «محبت و آگوستین قدیس» در واقع متن بازبینی شده رساله دکترای وی است که زیر نظر کارل یاسپرس تالیف و تدوین شده و آرنت در 26 نوامبر سال 1928 با موفقیت از آن دفاع کرده است. مفهوم اصلی این اثر نزد آرنت، «کاریتاس» است که فرهنگ رجایی (مترجم کتاب) پس از جد و جهدي عالمانه و به ویژه با الهام از ادبیات قرآنی، آن را به «دُبُّ» ترجمه کرده است. آرنت با تکیه بر این مفهوم خوانشی نو از آگوستین قدیس دارد اما پیش از هر چیز تصویری از وی ارائه می‌دهد که برای درک و دریافت اهمیت و جایگاه این شخصیت کلیدی در آبی کلیسا می‌تواند کلیدی باشد: «[آگوستین] از يك فرهنگ متعلق به دنیا در اواخر روزگار باستان می‌آمد و در بعضی موارد به طور تعیین‌کننده تقریباً از تمام جریان‌های آن تاثیر گرفته بود. بعد از گرویدن وی [به مسیحیت] در يك جریان طولانی که تاریخ‌های آن را در زیستنامه وی می‌توان پی گرفت، به طور فزاینده تحت نفوذ مفاهیم و قواعد دینی و اعتقاد مسیحیت قرار گرفت. این خطیب و نویسنده با استعداد به طور فزاینده به یکی از «پدران کلیسا» تبدیل شد و در این نقش تاریخی زندگی و کار کرد. آنچنان تغییر کرد که در پایان زندگی خویش در کتاب ریتراکشن [عقب‌نشینی مواضع]، تمامی نوشته‌های خود را از این

دیدگاه به صراحت بازبینی کرد» (محبت و آگوستین قدیس، هانا آرنه، ترجمه فرهنگ رجایی، انتشارات: کتاب پارسه، چاپ اول؛ 1400، ص42). این کتاب حول چند مفهوم کلیدی می‌گذرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: عشق، مرگ، دنیاطلبی، لذت، اشتیاق، شادی، ترس، آینده و حال. چنانکه آرنه در خوانش خود از آگوستین می‌نویسد: «تا زمانی که ما چیزهایی دنیایی می‌خواهیم، مرتب با خطر مواجهیم و ترس ما برای از دست دادن همیشه با اشتیاق ما برای داشتن آن همخوان است. چیزهای فانی و مستقل از انسان که او به دلیل اشتیاق به آنها وصل است، پدید می‌آیند و از بین می‌روند. ما که به طور مداوم تحت تاثیر اشتیاق و ترس برای آینده نامطمئن قرار داریم، آرامش تمام لحظه‌های اکنون یا اهمیت ذاتی آنها را از آنها سلب می‌کنیم و دیگر نمی‌توانیم از آنها لذت ببریم؛ بنابراین آینده زمان حال را از بین می‌برد» (همان، ص49). آگوستین ریشه اضطراب آدمی را در مرگ - یا شاید به تعبیر دقیق‌تر مرگ‌آگاهی او - می‌داند و معتقد بود تنها جایی که مرگ وجود ندارد و آینده‌ای هم نیست، انسان قادر است بدون اضطراب از نگرانی زندگی کند (همان، ص51). از قضا همین مقوله مرگ بوده که به گفته آرنه نهایتاً موجب پیوستن آگوستین به مسیحیت می‌شود (همان، ص55). آری وجود مرگ باعث از بین رفتن «حال» برای در انتظار «آینده» بودن شده است. به تعبیر آرنه «زندگی یا دیگر نیست یا هنوز نیامده است!» (همان، ص57). این شدت انتظار برای آینده به باور آگوستین ریشه در دنیاطلبی انسان دارد و دنیاطلبی چیزی نیست جز غفلت از خویشتن! بنا بر خوانش آرنه از آگوستین دنیاطلبی به این دلیل بد نیست که مقولات بیرون از وجود آدمی بد هستند، بلکه آن را میلی بد و اسارت‌آور می‌داند که پیامد آن وابستگی به چیزی است که از نظر اصول قابل حصول نیست (همان، ص71). بر همین اساس است که آگوستین انسان‌هایی که در آرزوی چیزهایی بیرون از وجود خودشان به سر می‌برند را افرادی می‌داند که «از خود تبعید شده‌اند» (همان، ص72). البته این تحلیل اگزیستانسیالیستی آگوستین از وضعیت بشر به مرزهای الهیاتی نیز نزدیک می‌شود وقتی در خوانش آرنه از او می‌خوانیم: «آگوستین فقط به این دلیل توانست خود را پیدا کند که خداوند یار و یاور او بود. خود-کشی و خداوند-کشی همزمان اتفاق می‌افتد.» (همان، ص74) و چه توارد و تقارنی میان این گزاره‌ها با تعالیم اسلامی وجود دارد که در احادیث از قول پیامبر اکرم (ص) آمده است: «من ° عرف ° نفسهُ ° فقد عرف ربه؛ هر کس خود را بشناسد، قطعاً خدایش را خواهد شناخت.» خوانش آرنه از آگوستین نهایتاً وی را به وضعیت جدایی انسان از دنیا می‌رساند. او در صورت‌بندی خود، دو نوع جدایی از دنیا را برای انبانی بشر به

تصویر می‌کشد: «برای کسانی که از طریق محبت به خداوند تعلق دارند، انتظار آمیخته با امیدواری و کسانی که با مرگ از دنیا جدا میشوند، پر از ترس است.

از این رو آیین مسیحیت از امیدواری تشکیل شده است» (همان، ص 81). البته به‌زعم راقم این‌سطور، اساساً ایمان - فارغ از اینکه برآمده از کدام سنت دینی باشد - برآمده از امید بلکه هم‌ذات و هم‌زاد با آن است. چنانکه در قرآن کریم بی‌ایمانان، همان نام‌یدواران معرفی شده‌اند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَكْفُرُوا مِنْ رَحْمَتِي؛ و کسانی که آیات خدا و لقای او را منکر شدند، آنانند که از رحمت من نومیدند» (سوره عنکبوت، آیه 23، ترجمه محمد مهدی فولادوند). وقتی فیلسوف سیاسی‌ای چون هانا آرنت با تبار یهودی، اثری درباره یکی از برجسته‌ترین چهره‌های آبای کلیسا تالیف کند، فینفسه می‌تواند واجد اهمیت باشد اما محتوای این اثر از جذابیت‌های دیگری نیز برخوردار است که گاه خواننده را در اینکه نویسنده متن آرنت باشد می‌تواند با تعجب مواجه کند! اکنون این اثر برای اولین بار در دسترس خوانندگان فارسی‌زبان قرار گرفته است. «محبت و آگوستین قدیس» نوشته هانا آرنت، با ترجمه فرهنگ رجایی به همت انتشارات کتاب پارسه منتشر شده است.

منبع: روزنامه اعتماد 25 بهمن 1400 خورشیدی